

نامه گیوک به اینوسان چهارم ۲

منکو تنگری کوچندا

کورالغ اولوس ننگ تالوی نونک - خان یرلغمز - این مثالیت بنزدیک
پایه کلان فرستاده شد بداند و معلوم کند مانبشت ؟ در زمان ؟ ولایتها کرل
کنکاش کردست . اوتک ایلی بندگی فرستاده از ایلچیان شما شنوده آمد .
واگر سخن خویش برسید توکی پاپاد کلان^۳ با کرل لان جمله بنفس خویش
بخدمت ما بیایید بر فرمان یاساء کی باشد آن وقت بشنوانیم . . .
دیگر گفته اید کی مرا درشیلیم درای نیکو باشد خویشتن را دانا کردی
اوتک فرستادی این اوتک ترا معلوم نکردیم دیگر سخن فرستادیت ولایتها
ماجر^۴ و کرستان^۵ را جمله گرفیست^۶ مرا عجب میاید ایشان را گناه چیست
ما را بگوید .

-
- ۱ - دوک یاروسلاو که از بزرگان روسیه بود از جانب باتوخان مغول مأمور دربار
قراقروم شده بود صفحه ۱۵۳ تاریخ مغول عباس اقبال آشتیانی
 - ۲ - نقل از مقاله مغولها و دربار پاپ نوشته پل پلیو
 - ۳ - کرل لان - پادشاهان
 - ۴ - مجارستان
 - ۵ - کریستیان
 - ۶ - گرفتید

این سخن تراهم معلوم کردیم فرمان خدای را چنگیز خان و قآن هردو شنوآیدن را فرستاده فرمان خدای را اعتماد نکرده اند هم چنان کی سخون توایشان نیز دل (۴) کلان داشته اند گردن کشی کرده اند و رسولان ایلچیان ما را کوشتند آن ولایتها را مردمان را خدای قدیم کوشت و نیست گردانید جز از فرمان خدای کسی از قوت خویشتن چگونه کوشد چگونه گیردمگر تو همچنان می گوئی من ترسایم خدای را میپرستم زاری می کنم می باسم تو چی دانی که خدای کسی را می آموزد^۱ در حق کسی مرحمت می فرماید تو چگونه دانی که همچنان سخن میگوئی بقوت خدا (از) آفتاب بر آمدن و تا فرو رفتن جمله ولایتها را ما را مسلم کرد (۵) است می داریم جز از فرمان خدای کسی چگونه تواند کرد اکنون شما بدل راست بگویت کی ایل شویم کوچ دهیم تو بنفس خویش بر سر کرلان، همه جمله یک جای بخدمت و بندگی ما بیاید ایل شما را آن وقت معلوم کنیم و اگر فرمان خدای نگیرید و فرمان ما را دیگر کند شما را ما یاغی دانیم همچنان شما را معلوم میگردانیم و اگر دیگر کند آنرا ماچی دانیم خدای داند.

فی او اخر جمادی الاخر سنه اربعه اربعین و ستمائنه

اثر مهر گیوک خان در پای نامه دیده میشود^۲

این نامه که ناشی از غرور و خودخواهی خان مغول و معرف اخلاق خشن و آشتی ناپذیر طوایف تاتار بود باعث دلسردی و نومیدی پاپ و سایر سلاطین اروپائی گردید. خان مغول مایل بود که بهمراه کارپینو نمایندگانی بدر بارواتیکان اعزام دارد ولی همانطوریکه تاریخ ادبی ایران^۳ اشاره کرده است راهب مزبور بدلالی حاضر بقبول این تقاضا نشد اول آنکه ترسیده بود مبادا سفرای مغول

۱ - می آموزد

۲ - مهرایکی از اسرای روس که کوزما نام داشت و صنعتگر بود برای گیوک خان

ساخته بود.

(۳) تألیف ادوارد براون